



کوتاه‌تراز گزارش

طرحی بدون کارشناسی

🔴 طرح تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب‌وکار در مجلس درحال بررسی است؛ طرحی که برخی کارشناسان معتقدند می‌تواند به رونق کسب‌وکار در کشور و حتی اشتغال‌زایی کمک کند. با این وجود اما رئیس کانون هیات مدیره کارشناسان رسمی دادگستری به این طرح انتقادات داشته و معتقد است این طرح می‌تواند به بهبود شرایط کسب‌وکار در کشور کمک‌کند اما اگر کارشناسان دادگستری مشمول این طرح شوند زمینه برای آسیب‌دیدن سیستم قضایی و دادگستری کشور فراهم می‌شود؛ چراکه کارشناسان دادگستری باید مراحل تخصصی زیادی را پشت سر بگذارند تا به‌عنوان متخصص به قضات کمک کنند. این درحالی است که با تصویب این طرح احتمال ورود کارشناسان با دانش نامناسب فراهم می‌شود. کانون کارشناسان رسمی دادگستری اغلب با کانون وکلای رسمی دادگستری اشتباه گرفته می‌شود؛ موضوع اما این است که اعضای این کانون نه وکیل بلکه متخصصان در مشاغل مختلفی هستند که در حوزه‌های گوناگون ازجمله عمرانی، اقتصادی، انتظامی، پزشکی، فرهنگی و... تبحر دارند. برای ورود به این کانون هر س‌مال ظرفیت محدودی از طرف قوه‌قضاییه تعیین و بعد آزمون سراسری به کمک سازمان سنجش برگزار می‌شود. افرادی که در آزمون سراسری نمره قبولی می‌گیرند در آزمون مصاحبه شرکت می‌کنند و با نظر هفت نفر، ازجمله سه‌قاضی و چهارکارشناس ویژه به عضویت کانون کارشناسان درمی‌آیند. کاراموزی و گذراندن مراحل تخصصی از دیگر مسائلی است که کارشناسان پس از قبولی باید انجام دهند. در سراسر کشور حدود ۴۲ هزار کارشناس وجود دارد و با وجود تصویب طرح صدور مجوزهای کسب‌وکار اما این روند تسهیل می‌شود و تعداد کارشناسان افزایش و حتی می‌تواند به حدود ۹۰ هزار نفر برسد مساله که به‌نظر می‌رسد به افزایش کمیت و کاهش کیفیت منجر شود.

خطر کم‌رنگ شدن تخصص

رضا علی‌پور، رئیس هیات مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری نسبت به این طرح انتقادهای زیادی داشته و دراین باره می‌گوید این طرح مناسب کانون کارشناسان رسمی دادگستری نیست از این نظر که بسیاری از کارشناسان نه به عنوان شاغل بلکه به عنوان همراه به قضات کمک می‌کنند. او می‌گوید، کارشناسان در کانون دادگستری استخدام نمی‌شوند، آنها در بخش‌های متفاوت اقتصادی کشور سال‌ها خدمت کرده‌اند و به‌عنوان متخصص با دادگستری همراهی می‌کنند. به نظر او به دلیل ماهیت کانون اینن طرح کمکی به اشتغال‌زایی در کشور نمی‌کند و اتفاقا به کانون هم صدمه می‌زند؛ چراکه کارشناسان مشغول در کانون کارشناسان رسمی دادگستری متخصصانی هستند که آزمون و دوره‌های متفاوتی را پشت‌سر گذاشته‌اند؛ بنابراین با سهل شدن این شرایط ضربه بزرگی به بخش قضاوت و دادگستری تحمیل می‌شود؛ چراکه کارشناسان به‌نوعی چشمان قضات هستند و قاضی با نظر تخصصی یک کارشناس رای می‌دهد.

او تاکید می‌کند روند جذب کارشناسان دولتی نیست بنابراین دولت نمی‌تواند تصمیمی برای آنها بگیرد. علی‌پور می‌گوید: پیشنهاد ما این است که فعالیت کارشناسی رسمی را کسب‌وکار تلقی نکنند زیرا از دولت هیچ مجوزی نمی‌گیریم و در همه جای دنیا کسب‌وکار به فعالیت گفته می‌شود که از دولت مجوز فعالیت گرفته شود.

رئیس کانون کارشناسان رسمی دادگستری توضیح می‌دهد طرح تسهیل صدور برخی مجوز کسب‌وکارها بدون اطلاع این کانون به مجلس شورای اسلامی تقدیم‌شده و از آنها درباره کم‌وکیف طرح سوالی نشده است. او توضیح می‌دهد نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای ارائه‌نظر از این کانون دعوت نکرده و مشکلات هم از همین جا شروع شدند. به همین علت کانون کارشناسان رسمی دادگستری برای اصلاح روند تلاش کرده و امیدوارند در نشست‌ی با حضور نمایندگان، کارشناسان و قضات بتوانند انتقاد و نظرات خود را درخصوص این طرح مطرح کنند.🔴



<div><div> </div><div><div>بسته‌های غذایی، چادر، وسایل گرمایشی و حتی لباس گرم هنوز به بسیاری از مردم مناطق زلزله‌زده اندیکا نرسیده است</div></div></div>

عکس:
میزان

فعالیت اصناف منوط به تزریق واکسن می‌شود

احمد وحیدی، وزیر کشور گفت: «فعالیت اصناف به‌ویژه اصنافی که با مواد غذایی سر و کار دارند، از ابتدای آبان منوط به دریافت واکسن است.» وی افزود: «به این منظور وزارت بهداشت اسامی سه میلیون نفر از شش میلیون نفر اصنافی را که واکسن تزریق کرده‌اند، معرفی خواهد کرد تا برای افرادی که واکسن به آنها تزریق شده است، امکان فعالیت در محل کار فراهم شود.»/ایسنا

تزریق ۶۷ میلیون دوز واکسن کرونا در کشور

براساس اعلام وزارت بهداشت تا ظهر دیروز ۴۶ میلیون و ۲۵۰ هزار و ۵۰۱ نفر دوز اول واکسن و ۴۰ میلیون و ۷۷۸ هزار و ۸۸۰ نفر نیز دوز دوم واکسن کرونا را تزریق کرده‌اند. به این ترتیب مجموع واکسن‌های تزریق شده در کشور به ۶۷ میلیون و ۲۹ هزار و ۳۸۱ دوز رسیده است. افزون براین، اکنون هفت شهر کشور در وضعیت قرمز، ۱۰۸ شهر در وضعیت نارنجی، ۲۴۸ شهر در وضعیت زرد و ۸۵ شهر در وضعیت آبی قرار دارند./وزارت بهداشت



اندوه «اندیکا»



مریم خباز

جامعه

گهواره تاب خورد. مردم هراسان پریدند، جیغ زدند، همدیگر را صدا زدند، سمت طولی‌ها دویدند اما هفت کیلومتر زیر پایشان، صفحه‌ای که پنج ریشتر تلی قدری داشت همه چیزشان را کاتاند. خانه‌ها خراب شد، سنگ‌ها فروریخت، سقفی بالای سر نماند و قلعه‌خواجه و دهه روستای وابسته‌اش شدند تلی از خاک و سنگ و چوب. مردم زلزله‌زده اندیکا کشته‌نדה‌اند، زخمی‌های زلزله‌شان هم کم‌اند ولی حق دارند لباس سیاه عزاز تن به در نکنند چراکه دیگر نه خانه‌ای هست، نه لباسی و نه چیز زیادی برای خوردن. از بامداد شنبه از ساعت ۲ و ۴ دقیقه که زمین زیر پای این مردم لرز گرفت بیشتر از چهار روز می‌گذره ولی خیلی از مردمی که با لهجه‌های غلیظ و اصیل بختیاری، سفره دلشان را برای ما باز می‌کنند هنوز چشم به کسان‌ی دارند که به دادشان برسند، که یک دست لباس گرم، که یک وسیله گرمایشی، که حتی یک وعده غذای گرم به دستشان بدهند و بعد که فکرها متمرکز شد کمک کنند تا آوارها کثار برود و خانه‌ها ساخته شود.

زلزله آمد که فقر را تشدید کند

می‌دانید اندیکا کجاست؟ اندیکا یکی از شهرهای خوزستان است، آرام گرفته میان لالی، درفول، ایزه و مسجدسلیمان که شمال و شمال‌شرقی‌اش به چهارمحال وبختیاری سپیده‌است، مرکز آن، قلعه‌خواجه است و مرکز آن چلو، همانجا که کانون زلزله بوده است، درمجموع دیاری که هم کانون ثروت‌های خدادادی است و هم مرکز فقرهای تولید بشر. «تنگ‌بنا» را شاید دیده باشید، همان سنگ‌نگاره‌های معروف اندیکا که مربوط به الیمائیده‌است؛ یادگار روزگار باستان و فرمانروایان اشکانی.

اندیکا و توابع زلزله‌زده‌اش حالا هیچ‌کدام از اینها نیست. اینجا فقط تکه‌ای از خاک ایران است که زلزله نه‌تنها خانه‌های روستایی سست و سرپناه‌های شهری بی‌دوام آن را زیر و رو کرده بلکه فقری را که در سکوت می‌زیسته نیز نمایان ساخته است.

هلال‌احمر خوزستان آمار داده که زلزله بامداد دوشنبه به ۱۱اروستا در شهرستان اندیکا خسارت‌زده، معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری خوزستان هم اعلام‌کرده ۶۰۰واحد مسکونی تا ۸۰درصد تخریب‌شده در حالی که فرماندار اندیکا می‌گوید ۱۲۰روستا خسارت دیده‌اند. ۵۰مدرسه‌ای که مدیرکل نوسازی مدارس

اسکان، مساله اصلی اندیکا

زمین‌لرزه اندیکا باعث تخریب تعداد قابل توجهی از روستاهای این شهرستان و تخریب چندصد واحد مسکونی در خود شهرستان اندیکا شده اما در برخی روستاها حجم تخریب‌ها تا ۱۰۰درصد هم رسیده‌است. بر اساس ارزیابی‌های انجام شده ۳۳۰ روستای اندیکا خسارت جدی دیده‌اند که از این‌مجموع ۳۰ روستا بین ۸۰ تا ۹۰درصد آسیب دیده‌است. تا امروز اما ۱۰ درصد



امیرالنه نوذری

فرماندار اندیکا

زن‌ها و مردها یک‌دست سیاه پوشیده‌اند، از فرق سر تا نوک پا. عزادار زلزله‌اند؟ بله هستند ولی می‌گویند در زندگی طایفه‌ای اگر کسی بمیرد حتی اگر فامیل نزدیک نباشد همه دسته‌جمعی به احترام، یک‌سال سیاه می‌پوشند. لباس سیاه و بلند زن‌ها خاکی‌شده، پیرزنی با گیس‌های حنا بسته، کاسه فلزی غری را مثل کلاه بختیاری‌ها روی سر گذاشته و مثل سربازها رژه می‌رود؛ از این‌ور به آن‌ور، از چپ به راست، از بالا به پایین، بعد هم که خسته می‌شود روی خاک چهار زانو می‌زند و غم و غصه را با آه، پف می‌کند به خاک. مادر بزرگ قلعه‌خواجه‌ای دیگر خانه ندارد.

چهار روز است خانه‌اش شده جایی میان زمین و هوا، روی قلوه‌سنگ‌های ریز و درشتی که از کوه سرازیر می‌شوند و روی خار و خاشاکی که مثل نوک‌تیز سوزن به تن فرومی‌روند. شب بود و وقت خواب و به جز گاو‌ها و گوسفند‌ها به‌زها که حتما پلک می‌زدند و می‌چینیدند مردم همه خوابیده بودند. بامداد شنبه بود، ۱۷مهر و پاییز نو که زمین لرزید و قلعه‌خواجه و چلو مثل

گهواره تاب خورد. مردم هراسان پریدند، جیغ زدند، همدیگر را صدا زدند، سمت طولی‌ها دویدند اما هفت کیلومتر زیر پایشان، صفحه‌ای که پنج ریشتر تلی قدری داشت همه چیزشان را کاتاند. خانه‌ها خراب شد، سنگ‌ها فروریخت، سقفی بالای سر نماند و قلعه‌خواجه و دهه روستای وابسته‌اش شدند تلی از خاک و سنگ و چوب. مردم زلزله‌زده اندیکا کشته‌نדה‌اند، زخمی‌های زلزله‌شان هم کم‌اند ولی حق دارند لباس سیاه عزاز تن به در نکنند چراکه دیگر نه خانه‌ای هست، نه لباسی و نه چیز زیادی برای خوردن. از بامداد شنبه از ساعت ۲ و ۴ دقیقه که زمین زیر پای این مردم لرز گرفت بیشتر از چهار روز می‌گذره ولی خیلی از مردمی که با لهجه‌های غلیظ و اصیل بختیاری، سفره دلشان را برای ما باز می‌کنند هنوز چشم به کسان‌ی دارند که به دادشان برسند، که یک دست لباس گرم، که یک وسیله گرمایشی، که حتی یک وعده غذای گرم به دستشان بدهند و بعد که فکرها متمرکز شد کمک کنند تا آوارها کثار برود و خانه‌ها ساخته شود.

خوزستان می‌گوید پس از زلزله نیاز به بازسازی و تعمیر دارند اگر بگذریم به روایت فرماندار، روستاهای سپیدار، نیی‌آباد، رگر،و، آیتپار، درب، فرغه، شاهزاده عبدال...،

دهدیک، دشتگل، سرشط و روستای صعب‌العبوری‌بی خسارت‌صردردی دیده‌اند.

با این که مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر خوزستان از امدادرسانی به ۴۰۰۰نفر از آسیب‌دیدگان زلزله خبر می‌دهد از این که فقط ۳۰انجاتکر داوطلب به منطقه رفته‌اند و ۲۶تیم امداد و نجات بی‌وقفه در حال کار هستند و حتی به ایزه نیز سرکشی کرده‌اند و خبر تخریب ۱۵خانه روستایی در بخش سوسن ایزه را هم آورده‌اند ولی در اندیکا، در قلعه‌خواجه و در چلو که بیش از هر نقطه دیگری در خوزستان از زلزله متاثر شده، گلیا‌یه‌ها و درخواست‌ها فراوان است و کمبودها بسیار.

امان‌اله ناصری کریموند هم معلم است و هم مسوول خانه هلال در بخش چلو. او برایمان از خانه‌های تخریب‌شده شهری و روستایی، از دیوارهای ترک‌خورده، سقف‌های نیمه‌ریخته و آوارهای سنگین و جاده‌های مسدود می‌گوید. او روستاهایی را که با خاک یکسان شده‌اند با چشم‌های خودش دیده و روی این خرابه‌ها راه رفته و دیده که داروندار مردمی که مستضعف می‌خواندشان نیست و نابودشده‌است. او شب‌ها با مردمی دمخور است که خانه‌های سنگی و چوبی و خشت و

به خدانه لباس داریم، نه غذا

از صبح تا دیروز عصر زمین ۱۸ بار زیر پای حاجی محمدلری، دهیارلرلو و هم‌ولایتی‌هایش لرزید. این پس‌لرزه‌ها بلای

امدادرسانی‌ها انجام شده‌است به این مفهوم که در بسیاری از مناطق، افراد زلزله‌زده در چادر اسکان یافته‌اند. به برخی روستاهای صعب‌العبور هم با بالگردهای هلال احمر امدادرسانی شده‌است. افزون بر این، قرارگاهی نیز ازسوی سپاه با عنوان قرارگاه خدمات‌رسانی سردار شهیدمرتضی حسین‌پور تشکیل شده‌است که از این پس کمک‌های خیرین، مردم و گروه‌های جهادی به افراد زلزله‌زده توسط این قرارگاه انجام خواهدشد. در کنار این قرارگاه خدمات‌رسانی هم قرارگاه دیگری با عنوان «بازسازی منازل آسیب‌دیده» در شهرستان تشکیل شده‌است، چرا که بیشترین مشکل کنونی بحث اسکان مردم منطقه و البته دام‌هایشان است؛ زیرا معاش غالب مردم این منطقه از راه دامداری

جان ۳۸۰ خانوار روستای للر است. بسیاری از دام‌های این مردم در زلزله مرده‌اند ولی گرچه عده‌ای از اهالی مصدوم‌اند ولی حتی یک پزشک آن حوالی نیست. حاجی می‌گوید مردم را به هر زحمتی که بود به نزدیک‌ترین درمانگاه رساندند چون با این که خودش بهیار است و از کارهای اولیه سر در می‌آورد اما وقتی هیچ دارویی نیست یک بهیار چه می‌تواند بکند.

حاجی لحنی پر از تاسف دارد و می‌گوید مردم اینجا سخت مداوا می‌شوند، از قبل زلزله هم همین بود و برای گرفتن یک انسولین اهالی باید ۵۰۰ هزار تومان خرج می‌کردند تا به اندیکا برسند و دارو را بگیرند، حالا هم که زلزله آمده روستای محروم للر، محروم‌تر شده‌است.

ایمان نوروزی از امدادگران هلال احمر دیروز همان نزدیکی‌ها بود که ما با او حرف زدیم. او هم حرف‌های حاجی را می‌زد و از کوهستانی بودن منطقه و صعب‌العبور بودن مسیرها و شیب‌های تند می‌گفت که اجازه فرود آمدن بالگرد را نمی‌دهد. ایمان اما می‌گوید بالگرد هرچا که فرود بیاید امدادگران با پای پیاده خودشان را به مردم زلزله‌زده می‌رسانند و آب و غذا و چادر میانشان تقسیم می‌کنند. تجربه او می‌گوید اولویت مردم اندیکا و همه روستاهای خسارت دیده‌اش سر و سامان گرفتن دام‌هایشان است.

مرد خانه فاطمه حالا او را با هفت بچه قد و نیم قد تنها گذاشته است. فاطمه با جهان اخبار بیگانه است. او در خانه سنگی‌اش که خودش هر سال لایه‌های گل و چوب سقشش را ترمیم می‌کرد نه تلویزیونی داشت و نه رادیو، حالا هم که از خانه‌اش جز سنگ‌های درشت کنده شده از کوه و گل‌هایی که مثل خاک الک شده‌است،

چیزی نمانده او از همه چیزی بی‌خبر است. او خبر ندارد که دو روز پیش مسؤول آما‌د و پشتیبانی سیاه ولی‌عصر (عج) خوزستان از توزیع ۵۰۰اتانکر آب ثابت و ۵۰۰ بسته غذایی میان زلزله‌زده‌های اندیکا خبر داد. او چه می‌دانست کریم دانش‌وریان، جهادگر استان خوزستان که زلزله چند روزی است او را به اندیکا کشانده به ما گفته است که در این چند روز در ۳۱ روستایی که تحت پوشش آنهاست بیش از ۲۰۰ گروه جهادی

است و به همین دلیل بیشترین مشکلات و نیاز آنها در این ارتباط است. براساس اطلاعات به دست آمده تاکنون ۷۲۰ آغل دام اهالی تخریب شده و دام‌هایی هم که از گرند آسیب‌ها در

یاد مانده‌اند شرایطی برای نگهداری‌شان وجود ندارد. یادآوری می‌شود اغلب سازه‌های روستایی این منطقه گلی و چوبی است. در واقع این سازه‌های نامناسب باعث شده با توجه به شدت زلزله، حجم تخریب‌ها تا ۱۰۰درصد هم برسد. با وجود این به نظر می‌رسد کمتر شخصی در این روستاها باشد که از اسکان مناسب برخوردار نشده‌باشند. البته این منطقه همواره جزو مناطق محروم بوده و همین موضوع هم باعث بروز برخی گلیا‌یه در روند امدادرسانی‌ها شده‌است، با این

ورود کرده‌اند و دست‌کم ۴۰۰۰ پرس غذا به دست مردم رسانده‌اند.

فاطمه از اینها بی‌خبر است ولی حال خودش را خوب می‌فهمد. او می‌داند که نه چادری از هلال احمر گرفته، نه کسی از مسؤولان پای خرابه‌های خانه‌اش آمده و نه حتی آذوقه زیادی دارند که یک شکم سیر بخورند. لهجه غلیظ فاطمه، واژه‌ها را می‌بلعد اما غصه زبانی مشترک و قابل فهم است، برای همین کلمات مثل سکانس‌های یک فیلم می‌شوند و زندگی این روزهایش را به تصویر می‌کشند: «تعاونی روستایی بعضی وقت‌ها به ما آرد میده، آرد رو نون می‌کنم و با روغن حیوانی می‌خوریم، بعضی وقت‌ها هم ماست، قبل از زلزله هم همین بود. ما نمی‌تونیم پنیر درست کنیم، گاو‌مون غذا کم می‌خوره و زیاد شیر نمی‌ده، پنیر، شیر می‌خواد که ما نداریم. خوراکمون همیشه همینه، مردم روستا هم همه فقیرن و نمی‌شه از کسی قرض گرفت.»

فاطمه اما به‌گرسنه بودن عادت دارد و هیچ وقت شکم چرانی نکرده که حالا عذاب بکشد. او ولی از بی‌سرپناهی معذب است، از بی‌سرپناهی بزها حتی بیشتر. طولی‌ه بزها و گاو در زلزله خراب شده و آنها مانده‌اند و شب‌های سرد که سردتر هم می‌شوند. فاطمه می‌گوید، می‌دانم این بزها هم می‌میرند.

او وقتی با هفت بچه‌اش زیر سقف ستاره باران آسمان، توی شب‌های سرد این روزها با یک ل لباس می‌خوابد، آرزوی کپه‌ای آتش می‌کند که نیست.

–چرا نمی‌توانی آتش درست کنی؟

–درخت نیست، مردم همه دارها را کنده‌اند خانه ساخته‌اند یا آتش زده‌اند.»

–نمی‌توانی از جایی چوب پیدا کنی؟

«گاهی از توی دره‌ها جمع می‌کنم ولی سخت است، مردمی که پول دارند از بازفت چوب می‌خرند ولی دستم خالی است.»

کلثوم آن حوالی است، پیرزنی با صورتی به غایت چروک، چشم‌هایی که ساحل امواج غم است، با همان لباس‌های سرتا پا مشکی.

لباس‌های کلثوم زیر آبر مانده، او مانده و لباس نازک تنش، ظرف و ظروفش هم زیر آوار سنگین خانه‌اش مدفون است. با لهجه لره‌ای بختیاری که قند توی دل آدمیزاد آب می‌کند از لحظه زلزله می‌گوید: «همین جا خوابیده بودم، به صدایی اومد: تک، تک، تک، هی می‌لرزیدم، جیغ زدم فره، فره، فره. خانه‌ام خراب شد. هیچ کس تا حالا سراغمان نیامده» و فاصله زبانش با زبان معیار به قدری زیاد می‌شود که دیگر نمی‌دانم چه‌گفت.

مردی زل زده است به پنجه بیل مکانیکی که دارد ته مانده دیوارهای خرد شده خانه‌اش را جابه جا می‌کند. او دارد می‌بیند غول آهنی هست و نیستش را مشت می‌کند و گوشه‌ای می‌ریزد. «چاره چیست» این را می‌گوید و مثل عزیز از دست داده‌ها تنش را به چپ و راست تاب می‌دهد تا بلکه آرام شود.

زنی پشت سر اوست. از حرف‌هایش فقط همین چند جمله شنیده می‌شود: « نصف وسایلم مونده زیر آوار، کسی به کمک‌مون نیومده، ما هم بنده خداییم، خدا رو خوش نمی‌یاد.»

اندیکا و روستاهای آسیب‌دیده از زلزله حالشان به حال آدم تبتدار و بدحال می‌ماند، به کسی که اشهدش را خوانده و محضر است؛ این مردم اما لای خبرها کم شده‌اند.🔴

حال تلاش شده شیوه امدادرسانی به گونه‌ای باشد که اغلب مردم از آن رضایت داشته‌باشند.

خدمات‌رسانی با تلاش نیروهای امدادی و جمعیت هلال احمر همچنان ادامه دارد اما با توجه به نزدیک شدن به فصل سرما و بارندگی نیاز است در سطح استان و کشور به اندیکا توجهی ویژه شود. از رئیس‌جمهور محترم هم خواسته‌ایم دستور بدهند نیاز مسکن در این حوزه ورود کند؛ چرا که با توجه به سرمای هوا در این فصل سال در منطقه باید هر چه زودتر به فکر اسکان مناسب افراد بود. شهرستان اندیکا از محرومیت‌های بسیاری در رنج است و به امکاناتی از جمله آب شرب، بیمارستان و راه مناسب نیاز دارد؛ بنابراین پیگیری و مطالبه‌گری این کمبودها ضروری است.🔴